

# يك سند تازه و منسوب به امام در باره فلسطين

□ رسول جعفریان

عبدالله بهبهانی از رهبران روحانی مشروطه - از علمای موجه تهران بود. به همین مناسبت، وی از شماری از علما دعوت کرد تا در این باره اندیشه کرده، نامه‌ای برای پاپ بنویسند. آن زمان، امام خمینی رحمه الله علیه گهگاه به تهران می‌آمد و در محافل علما شرکت می‌کرد. ایشان در نشستی که برای تدوین این نامه در منزل آیت الله بهبهانی تشکیل شد، شرکت کرد. قرار بر آن شد تا حاضرین، هر کدام متنی را بنویسند تا در جلسه بعدی، مورد بررسی قرار گرفته و یکی از آنها انتخاب و ارسال شود.

روز بعد علما در خانه مرحوم بهبهانی گرد آمدند و متنهای تهیه شده توسط علما در جمع خوانده شد. در این میان، متنی که امام خمینی نوشته بود، مورد پذیرش قرار گرفت و از طرف مرحوم بهبهانی که عنوان رئیس العلمائی داشت برای پاپ ارسال شد.

همان زمان این نامه در نشریه آیین اسلام و دنیای اسلام به چاپ رسید و جوابیه کوتاهی

در اوائل سال ۱۳۲۷ ش مصادف با ۱۹۴۹ میلادی ماجرای فلسطین و نزاع میان مسلمانان و صهیونیستها بالا گرفت و در نهایت با حمایت کشورهای غربی، کشور اسرائیل تأسیس شد. این مسأله با اعتراض سراسری مسلمانان روبرو شد و در ایران نیز بسیاری از رهبران مذهبی - و نه ملی - دست به کار شده و با برپایی تظاهرات و نشستها و صدور اعلامیه‌ها همراهی خود را با جهان اسلام نشان دادند. (در این باره بنگرید به: آیین اسلام، س ۵، ش ۸، صص ۸، ۱۰ - ۱۱) در این میان، فدائیان اسلام و اتحادیه مسلمین و بسیاری از چهره‌های منفرد مانند مرحوم طالقانی، مرحوم سید غلامرضا سعیدی و عده‌ای دیگر، فعال بودند. مطبوعات مذهبی این دوره مانند نشریه آیین اسلام و دنیای اسلام و پرچم اسلام، اخبار مربوط به فلسطین و همراهی شیعیان ایرانی را با فلسطین منتشر می‌کردند. در این زمان، آیت الله سید محمد بهبهانی - فرزند سید



هم از سوی نماینده پاپ در ایران به آن داده شد که باز در مطبوعات وقت به چاپ رسید. بعدها حکایت این مطالب را امام خمینی برای آیت الله شیخ جعفر سبحانی که آن زمان از شاگردان ایشان بود، نقل کردند. چندی قبل حضرت آقای سبحانی اصل مطلب را به بنده فرمودند و من با مراجعه به نشریه آیین اسلام، نامه را یافتم که تصویر آن را عیناً در اینجا به چاپ می‌رسانم.

به نظر می‌رسد که نشر آن نامه، بخوبی می‌تواند نشان دهد که قلم، قلم امام خمینی است. نامه بسیار با سیاست تنظیم شده و نکات مهمی را در ارتباط میان سه جامعه مسلمان، مسیحی و یهودی یادآور و از پاپ خواسته شده است تا در برابر تجاوز یهود موضعگیری کند.

اکنون که بار دیگر مسأله فلسطین اوج گرفته است، نامه آن رهبر عظیم الشان را که دغدغه فلسطین یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان در تمام دوره زندگیشان بود. تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنم.

تلگراف آیت الله بهبهانی به پاپ اعظم

جناب قدسی خطاب پاپ اعظم واتیکان  
لتجدن اشد الناس عداوة للذین آمنوا



اليهود والذین اشركوا و لتجدن اقربهم مودة للذین آمنوا الذین قالوا انا نصاری ذلك بان منهم قسيسین و رهباننا و انهم لایستکبرون (سوره مائده آیه ۸۲)

خبرهای اسف انگیز فلسطین در محافل روحانی و ملی کشور ایران تأثیرات عمیقی کرده و نظر مراکز حساس روحانیت را به خود جلب نموده است.

فتنه‌انگیزی و ماجراجویی جمعیت لجوج و حریص یهود چندان موجب تعجب نیست زیرا سوابق سوء آنها روی تاریخ بشریت را سیاه کرده است و بحکم قضاوت تاریخ باید این جمعیت را دشمن نوع بشر دانست. تنها چیزی که مایه تعجب و تحیر بسیار است پشتیبانی پاره‌ای ملل مسیحی از آنها و برسمیت شناختن دولت پوشالی اسرائیلی است. همان مردمی که قلب عیسی مسیح را در آسمان رفعت جریحه‌دار کردند همان جمعیتی که مریم صدیقه را به ناسزا و بی‌ادبی یاد کرد. همان افرادی که امروز هم در محافل مذهبی آنها مریم پاك را به خلاف عفت یاد می‌کنند این ضربتهای جگر خراش معنوی است که از این يك مشت جهود عنود به مذهب عیسوی وارد شد. در مقابل تنها کسی که به مخالفت آنها برخاست پیغمبر بزرگ اسلام بود که کتاب آسمانی خود را در دست

## نگارک حضرت آیت الله آقای بهبهانی نیاپ اعظم

جناب لادسی خطاب پاپ اعظم . داتیکان

بسم الله الرحمن الرحيم

لجنه اشد الناس عدواً للدين آمنوا اليه والذين لم يروا ولجنه اشرهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى ذلك بان منهم مشركين و زبانا وانهم لا يتكفرون (سوره مائده آيه ٨٢)

خيرهاق است انكار طسطن قوصائل روماني و ملر كندو ايران تايرت عرتي كرده و نظر در اكر حساني روحانيت را چود حلب بوده است . فتا انگيزي و مايراجي حجت لوج و حريم يهود چنان موجب نصيب نرسد زيرا در ايق موه آنها روي نايچ بشرت را سله كرده است و بهكر اشارت تاريخ نايه اين جيت و دشمن نوع بشر دانست . تنه ا جزوي كه ميا نصيب بوجير بهيار است پشنيان ياره اي ملق عيساي از آنها و بر سبت ششاني دولت و دشاني امريائي است . صان مردمي كه لقب عيسى مسيح را در آسمان و هت هر چه دار كرده . حان جيتي كه مريم عديته را ناسزا و بر عادي ياد كرده . حان انفرادي كه امروز هم در حائل ماضي آنها مريم پاك و بخلافت خت ياد ميكنند . اين غرضيهاي چكر گراش منوي است كه از اين يك مشت يهود هتود بخلعب عيسوي وارد شده . و در مقابل تنها كسي كه به بافت آنها بر ناست بيشتر بورك اسلام بود كه كتاب آسماني خود را دوست گرفت و به پنهان اعلان عظمت مسيح خود . اكون ملت نصاري چيران غريبهاي اسلام و پين محرمه ميشايد و با دشمنان عيسى مسيح دست برادري بر نهيد و بر هبل مسلمين و اسلام باهر اعداء ميگفت پديوس صديقه مسيح صديقه مسيح صديقه مسيح صديقه مسيح صديقه ، بلز اينده نكته و نكرت ندارد كه عيسى و حلال عيساي دست دوستي و برادري بيشن عيسى و معصومه اش بدهد ليكن در مقابل دشمني و ماي صلح يك نكته با گمان نصيب قلبي ميشود و آن نكته اين است كه چه شده است كه حفضل روحاني مسيحيت بجاي آنكه دولت الهاني را كه با دشمنان مسيح دست دوستي داده و با آغوش باز آنها را پذيرفته اند بماندي خود آنگه و ملل دين دار عيسوي را از شواب و اذيت يادو كند بسكوت فرو رفته و رطفا و روماني شود و انجام نبيدهد ؟

اينكه اين جانب از طرف عموم ملت اسلام خصوصاً بيوتان و رومان و ملل مذهب مذهب شيعه ايران نظر خود را از جيت منهي يهود و كسانى كه با آنها همراهي مينمايد بنام ملك عدالم و معصوماً سلامت بزرگ روحانيت ملت مسيح اعلان ميكنم و از خداوند متعال عرت مسالمت و رفلاان متعاضرين را خواستام .

ورخانه از مقام پاپ تقاضا دارم كه سال عيساي نكرت بدهد كه از اين جيت يهود كه دست ندي جان و مال مسالمت نظام دواز كرده اند پشنيان تنوده و عواطف چده حد مازون عسنيان را براي خاطر بگفت يهود اتنه جوسر چه دارن تا بنده واليه اين معني در نور مقام رومانيات پاپ كه هيبه و جبر و هادي ملت هسته ميشاهد .

محمد الموموي البهبائي

### مر اسله نماينده پاپ اعظم در تهران بحضورت آيت الله آقای بهبهانی

چون يك سهه از نگارگي كه حضرت آيت الله بهبهاني نياپ اعظم و ايتگان در مخرج نشانيان مداره نموده اند براي اطلاع نماينده پاپ و تهران فرستاده شده بود اينكه نماينده پاپ شرح زير را در جواب ارسال و اعلاه است .

« پداز متوان اظهار دارم كه مراد شما ببال حبيبه كيه نگارگك شما بحضورت آيت الله پاپ را زيارت كنم من در مقام نوشتن اين موضوع به وايتان تصور نموده ام لکن لازم است تيزا شرح كنم كه عيساي ماب پاپ از نشانياي فاطميين خيلي متاثر است و در دهم آورده است مانه پاكايه كاتوليكي دينا دستور داده است كه دعا كنده كه لقبه سقايان منجر به روزي نكود و صلح وسدا را دوله پين از خدا بخوانند و روز شته نام پاپ عيسيه ارسال ميشود » استرامان فاطمه و عديم ميمادو .

گرفت و به جهانیان اعلان عظمت مسیح و عصمت مريم صديقه را نمود. آری اسلام در مقابل جمعيت يهود قيام کرد و دامن عفت مادر مسیح را از لوث ناسزاهای آنها تنزیه نمود و یکسوره در شأن مريم و عظمت او برای جهانیان و برسوائی يهود از منبع وحی دریافت نمود. اکنون ملت نصاری جبران خوبهای اسلام را بدین نحو می نماید و با دشمنان عيسی مسیح دست برادری ميدهد و بر عليه مسلمين و اسلام قيام و اقدام می کند؟

اینست پاداش ملت نصاری در مقابل خدمت اسلام به مسیح و مريم صديقه، باز اينقدرها تعجب و تاثر ندارد كه بعضی از رجال سياسي دست دوستی و برادری به دشمن عيسی و مادر معصومه اش بدهند ليكن در محافل مذهبی و ملی مسلمين يك نكته با كمال تعجب تلقی می شود و آن نكته اينست كه چه شده است كه محافل روحاني مسيحيت به جای آنكه دولتهایی را كه با دشمنان مسيح دست دوستی داده و با آغوش باز آنها را پذيرفته اند به خطای خود آگاه كند و ملل ديندار عيسوي را از خواب غفلت بيدار كند، به سكوت فرو رفته و وظيفه روحاني خود را انجام نمی دهد؟

اينك اينجانب از طرف عموم ملت اسلام مخصوصاً پيروان و روحانيون مذهب مقدس



شیعه ایران تنفر خود را از جمعیت متعددی یهودی و کسانی که با آنها همراهی می‌نمایند به تمام ممالک عالم و مخصوصاً بمقامات بزرگ روحانیت ملت مسیح اعلان می‌کنم و از خداوند متعال نصرت مسلمین و خذلان متجاسرین را خواهانم.

در خاتمه از مقام پاپ تقاضا دارم که به ملل مسیحی تذکر دهند که از این جمعیت یهود که دست تعدی به جان و مال مسلمین مظلوم دراز کرده‌اند پشتیبانی ننموده و عواطف چند صد میلیون مسلمین را برای خاطر يك مشت یهود فتنه جو جریحه‌دار نمایند و البته این معنی در خور مقام روحانیت پاپ که همیشه رهبر و هادی ملت هستند می‌باشد.

محمد الموسوی البهبهانی

متن بیانیه از تصویر ارائه شده واضح است. اما پاسخ نماینده پاپ بدین شرح است:

چون يك نسخه از تلگرافی که حضرت آیت الله بهبهانی به پاپ اعظم واتیکان در موضوع فلسطین مخابره نموده‌اند برای اطلاع نماینده پاپ در تهران فرستاده شده بود، اینک نماینده پاپ شرح زیر را در جواب ارسال داشته است:

بعد از عنوان: افتخار دارم که مراسله جنابعالی به ضمیمه کپی تلگراف شما به حضرت آقای پاپ را زیارت کنم. من در اقدام و نوشتن این موضوع به واتیکان قصور نخواهم کرد. لکن لازم است قبلاً عرض کنم که قدسی مآب پاپ از قضایای فلسطین خیلی متأثر است و در دهم اردیبهشت ماه [۱۳۲۷ ش] به کلیه کاتولیک‌های دنیا دستور داده است که دعا کنند که قضیه فلسطین منجر به خونریزی نشود و صلح و صفا را در فلسطین از خدا بخواهند. و رونوشت نامه پاپ به ضمیمه ارسال می‌شود. احترامات فائقه را تقدیم می‌دارم.

